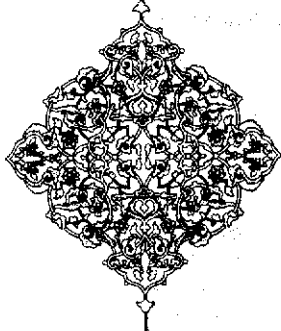


آیه الله

# سید محمد کاظم قزوینی خطیب توانا

غلامرضا گلی زواره



## نشو و نما و تحصیلات

گردید و این دو رویداد موقعیت بسیار سختی را برای این نوجوان دوازده ساله پدید آورد. دشواری وقتی روبه تزیید گذاشت که به دلیل بدهی زیاد پدرش، منزل مسکونی این خانواده به فروش رفت.<sup>۱</sup>

سید محمد پس از آنکه کشتی طوفان زده دل را به سوی ساحل شکیبایی و آرامش هدایت کرد و با یاد و نام سالار شهیدان، حضرت امام حسین علیه السلام و خواندن اشعاری در رثای

سید محمد ابراهیم قزوینی از فروغهای فرزنان و مشهور به زهد و پرهیزگاری در شهر مقدس کربلا بود. وی در تاریخ ۱۲ شوال ۱۳۴۸ هـ ق (۱۳۰۷ هـ ش) صاحب فرزندى گردید

که او را محمد کاظم نامید. سید محمد تنها ده بهار را پشت سر نهاده بود که در اثر وفات مادرش سوگوار گردید. گویا مواجه گردیدن با سختیها و بلایا میخواست گوهر گرانبهای این نهال نوپا را آشکار نماید و روح وی را از تعلقات دنیوی برهاند. دو سال بعد، فراق پدر را متحمل

۱. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۹، ص ۲۷۶؛ تراث کربلا، سلمان هادی الطعنة، ص ۱۵۰.

در بیانات با جاذبه و پرحلاوتش از صمیم قلب سخن می‌گفت، بر دلها اثر می‌گذاشت و نرمی و تحول و تأثر در قلوب مستمعین پدید می‌آورد؛ روانها و اندیشه‌ها را صفا می‌داد و شنوندگان را از خواب غفلت بیدار می‌کرد.

دانش دینی، تسلط به منابع قرآنی، روایی و کلامی، آگاه بودن بر روح تعالیم مذهب، شناخت مقتضیات زمان و اوضاع روزگار و مصالح جوامع اسلامی و چگونگی موضع‌گیری در مقابل جریانهای موجود، وعظ و خطابه‌اش را تقویت کرده بود. راستگویی و نیت صادقانه در تبلیغات دینی وی موج می‌زد. او می‌کوشید در تشریح مباحث دینی و معرفی سیره اهل بیت علیهم‌السلام با استمداد از منابع معتبر و مستند به صورتی صحیح و با پرهیز از نقل قول سُست به سخنوری بپردازد و به مواعظ خود غنا بخشد. آراستن سخن به معانی گوناگون و ایجاد هیجان و حالات عاطفی در شنوندگان از هنرهای این خطیب نکته پرداز بود.

۱. جزوه صفحاتی از زندگی آیه الله قزوینی،

آن وجود بزرگوار چشمه اشک را در کویر غم جاری ساخت، دروس مرحله مقدمات و سطح حوزه را در کربلا نزد اساتید وقت فرا گرفت. در دوره سطح از فروغ اندیشه آیات گرامی و حجج اسلام، سید میرزا هادی خراسانی، سید محمد حسین قزوینی، شیخ محمد خطیب، شیخ جعفر رشتی، سید محمد صالح قزوینی بهره گرفت. و پس از به پایان رسانیدن این دوره، در درس خارج حضرات آیات سید میرزا مهدی شیرازی، شیخ یوسف خراسانی و سید هادی میلانی شرکت نمود.<sup>۱</sup>

### سخنوری ستوده خصال

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی پس از بهره‌مند شدن از محضر اساتید خویش، در دانش فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن، خود به کمالات و مهارت‌های علمی دست یافت و موفق گردید در حوزه علمیه کربلا تفسیر قرآن و مباحث فقهی را به شاگردان مشتاق بیاموزد. ایشان در خطابه و سخنوری امتیازی ویژه داشت و در این زمینه، ذوق و استعداد خارق‌العاده‌ای از خود بروز داد. چون

رسول اکرم ﷺ را در اعماق وجودشان شکوفا نمودند و فضیلتی چون شیخ مرتضی شاهرودی، سید عبدالحسین قزوینی، شیخ ضیاء زبیدی، شیخ عبدالحمید مهاجر و شیخ محمد مجاهد فن خطابه را نزد آیه الله قزوینی آموختند.<sup>۱</sup>

### مؤسسه‌ای با برکت

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی در راه نشر تعالیم تشیع به سخنرانی و موعظه اکتفا نکرد و به منظور معرفی مذهب تشیع به مردمان سرزمینهای دیگر، مؤسسه‌ای با عنوان «رابطه النشر الاسلامی» به سال ۱۳۸۰ هـ ق در کربلا بنیان نهاد. تأسیس چنین مرکزی در آن شرائط و اختناق رژیم بعثی عراق، حرکتی کم نظیر و تلاش نادری بود. برنامه این نهاد نوپا، ارتباط با کشورهای اسلامی، مکاتبه با شخصیت‌های سیاسی - مذهبی دنیای اسلام و ارسال کتب و نشریات شیعی به صورت رایگان برای افراد و مراکز

در وعظ و ارشاد دینی غالباً بر قرآن، تعالیم رسول اکرم ﷺ و سیره و سخن اولیا و ائمه هدی ﷺ تکیه می‌کرد و با کمک گرفتن از تاریخ و حوادث گذشته و نتیجه‌گیری جالب از رخدادهای شنوندگان را نسبت به امور جاری آگاه و در خصوص آینده‌ای که در پیش دارند و مسئولیت و تکالیفی که عهده‌دار شده‌اند، ارشاد و هدایت می‌نمود. محبت ائمه علیهم السلام را در دل شیفتگان و کینه دشمنان قرآن و عترت را در قلبها استوار می‌ساخت.

خطا کارانی که بر اثر بیانات این خطیب خوش خو، راه توبه پیش گرفتند و به سوی خویشتن اصیل خود بازگشتند فراوان بودند. افرادی نیز که حقوق دیگران را پایمال نموده بودند، بر اثر اندرزه‌های آموزنده و هشدار دهنده ایشان به ادای حقوق دیگران اهتمام ورزیدند. کم نبودند اشخاصی که با گوش فرا دادن به سخنان این سید والا گهر نسبت به مبانی تشیع و باورهای شیعیان نظر خود را اصلاح نموده و از بدگمانیها و تهمت‌های ناروا دست برداشته، بذر محبت به خاندان

۱. همان، ص ۱۰ و نیز ر.ک: فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، آیه الله قزوینی، مقدمه مترجم، (علی کریمی).

فرهنگی و تبلیغی بود.

معتقد ساخت.

محور اصلی این کوشش، فرستادن کتاب برای برخی کشورهای شمال آفریقا، چون: الجزایر، مراکش و تونس بود؛ زیرا بر اثر بررسیهای علامه قزوینی هزاران سیدعلوی در این نواحی زندگی می‌کردند که در اثر تبلیغات مسموم در ادوار تاریخی و سمپاشی دشمنان شیعه و دوری از مراکز تبلیغی شیعیان، ناآگاهانه در خصوص ائمه هدی علیهم‌السلام اعتقادات سستی داشتند.<sup>۱</sup>

در آغاز، محدوده فعالیت این مؤسسه تبلیغی منحصر به چند کشور عربی و آفریقایی بود، ولی از آن پس، برنامه‌هایش گسترش یافت و دیگر کشورهای آفریقایی، اروپای غربی و اقیانوسیه (استرالیا و زلاندنو) را زیر پوشش برنامه‌های فرهنگی - ارشادی خود قرار داد. ارسال کتابهای مناسب به نقاط مزبور، تأثیر ژرفی بر تفکرات مردمان این نواحی بر جای نهاد و نگرش آنان را در خصوص تشیع، و خاندان عصمت و طهارت اصلاح نمود و صدها نفر را به اصول تشیع

«مؤسسه رابطة النشر الاسلامی» بعدها دو شعبه در بیروت و کویت افتتاح نمود. با به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، این تشکیلات تحت فشار شدید سیاسی قرار گرفت و مقامات اطلاعاتی حکومت وقت دستور دادند مکان مزبور تخلیه گردد. سرانجام چند سال بعد ساختمان جدید و تمامی تجهیزات و امکانات فرهنگی و تبلیغی و کتابهایش از سوی رژیم بعثی مصادره شد و برای گردانندگان آن تنگناهایی نگران کننده به وجود آوردند.

پس از هجرت آیه الله قزوینی به کویت، فعالیت‌های شعبه مستقر در این ناحیه گسترش فزاینده‌ای یافت و تا چند سالی پس از اقامت ایشان در ایران، برنامه‌های آن مؤسسه با تحرک شایان توجهی استمرار داشت. طی این مدت حدود یک میلیون جلد کتاب با موضوعات اسلامی و نگرشهای شیعی

۱. اسلام و تعلیمات تربیتی، سیدمحمد کاظم قزوینی، ترجمه ذکراالله احمد، مقدمه مترجم، ص ۱۲.

«موسوعة الامام الصادق» است. ایشان تا واپسین لحظات حیات دنیوی و حتی با وجود کسالت، با حضور در این مؤسسه فعالیت‌های تحقیقاتی مربوط به دانشنامه جعفری را پیگیر بود. این اثر به سی جلد بالغ می‌گردد که سیره و سخن امام صادق علیه السلام را در جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و ارزیابی تحلیلی قرار داده و مجلداتی از آن به زیور طبع آراسته شده است.<sup>۲</sup>

#### تلاش‌های تبلیغی در مراکش

احساس مسئولیت به همراه بصیرت و آگاهی، آیه الله قزوینی را بر آن داشت تا برای رسانیدن پیام پر بار و رهایی‌بخش تشیع به گوش علاقه‌مندان، بار سفر بر بندد و در سرزمین دور دست پایگاهی برای مبارزات اعتقادی تشکیل دهد و کینه‌های کهنه و غیظ‌های غلیظ را از دلها نسبت به خاندان پیامبر کاسته، بذرهای عطف را در دلها بکارد. در کشور مراکش اگرچه اکثریتی سنی

و مبتنی بر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام برای علاقه‌مندان و برخی مشاهیر و دانشوران در حدود سی کشور ارسال گردید.

شمار قابل توجهی از اهالی ساکن در برخی کشورهای عربی، شمال آفریقا و حتی اروپا با مطالعه این کتابها در خصوص اهل بیت علیهم السلام علاقه‌مند گردیدند و دلها از کینه‌هایی که دشمنان در قلوب آنان کاشته بودند، خالی شد. امواج تشیع‌گرایی که هم‌اکنون کشورهای شمال آفریقا را در بر گرفته، بی‌تأثیر از حرکت‌های فرهنگی - تبلیغی آیه الله قزوینی نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

#### دانشنامه جعفری

در حدود سال ۱۴۰۹ هـ ق ایشان تصمیم گرفت مرکزی به منظور پژوهش‌های گسترده و عمیق پیرامون تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام بنیان نهد. سرانجام در ربیع الثانی ۱۴۱۰ هـ ق این مرکز با عنوان مؤسسه نشر علوم امام صادق علیه السلام در قم تأسیس گردید و خود با همکاری گروهی از اهل فضل به تألیف کتابی در مورد امام صادق علیه السلام روی آورد که حاصل این تلاش تدوین

۱. صفحاتی از زندگی آیه الله قزوینی، ص ۱۳.

۲. مقدمه کتاب فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص ۲۶.

کتابی درباره عاشورا، به همت ایشان مجالس جشن و پایکوبی در ایام عاشورا، در مراکش تبدیل به مجلس سوگواری و ماتم‌سرایی برای به خون خفتگان دشت کربلا گردید و سنت پوسیده‌ای که امویان مؤسس آن بودند، به طور کلی در مراکش ریشه‌کن گردید.<sup>۱</sup>

به علاوه چندین کتابخانه با کتابهای شیعی در مراکش تأسیس نمود تا اهالی آن سامان به این منابع دسترسی داشته باشند و خود از لابه‌لای کتب حقایق را دریابند. همچنین در این سفر بابرکت، گروهی به مذهب تشیع روی آوردند. تمامی این فعالیتها با امکانات شخصی آیه الله قزوینی صورت گرفت و ایشان اظهار می‌داشت: اگر بودجه کافی و تجهیزات لازم در اختیارم بود، چنان در مراکش به فعالیت تبلیغی و فرهنگی ادامه می‌دادم تا فریاد فرحزا و ملکوتی اشهد انّ عسلیاً ولیّ الله در اذان از رادیوی

مذهب زندگی می‌کنند، اما گروهی سادات علوی تحت تأثیر تبلیغات منفی به دیده نفرت به مبانی و اصول تشیع نگاه می‌کردند و به استناد خبری جعلی مبنی بر اینکه کشتی حضرت نوح علیه السلام در روز عاشورا بر ساحل نشست و توبه حضرت آدم علیه السلام در چنین روزی پذیرفته شد، به جای مراسم سوگواری برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در ایام محرم، مجالس جشن و سرور برپا می‌کردند و بین حاضران شیرینی توزیع می‌نمودند و در چنین روز غمباری، شادی را به اوج می‌رسانیدند!

آیه الله قزوینی وقتی از برپایی چنین مراسمی آگاه گردید، به منظور ریشه‌یابی مسئله و چاره‌جویی برای آن، راهی مراکش گردید و ضمن دیدار با دانشمندان علوم دینی، سردبیران و صاحبان امتیاز نشریات، متفکران و اهالی شهرهای گوناگون، با مطرح نمودن این ضایعه خواستار ریشه‌کنی چنین رسوم مذمومی شد و سرانجام پس از چهار ماه تلاشهای علمی، تبلیغات اصولی و تألیف و انتشار

۱. مقدمه دکتر حسین فریدونی بر کتاب فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص ۱۵.

مراکش پخش گردد.<sup>۱</sup>

این سفر به قدری مردمان این سرزمین را شیفته بیانات شیوا، اخلاق، فروتنی و اخلاص آیه الله قزوینی نمود که با وجود اکثریت سُنی، حاضر نمی‌شدند وی به وطن باز گردد و اصرار داشتند برای همیشه در آنجا اقامت اختیار کند.<sup>۲</sup>

### به سوی ایتالیا

در سال ۱۳۹۶ هـ ق گروهی از شیعیان استرالیا نامه مفصلی خطاب به آیه الله قزوینی نوشتند که در آن آمده بود: وضع شیعه در این سرزمین اسفناک است و تشکیلاتی جز دو انجمن ضعیف در اینجا وجود ندارد. از مسجد و حسینیه خبری نمی‌باشد. در گذشتگان شیعه یا سوزانیده می‌شوند (طبق رسم هندیها) و یا بر اساس آداب مسیحیان در گورستان آنان دفن می‌گردند و اصولاً این اقلیت مظلوم در برابر طوفان کفر و الحاد و امواج انحرافی قدرت دفاعی اندکی دارند.

آیه الله قزوینی وقتی از این وضع مطلع گردید، متأسف گشت و به سال

۱۳۹۸ هـ ق شخصاً به استرالیا رفت و در شهر سیدنی که مرکز استقرار شیعیان بود، مسجد، مدرسه و غسلخانه تأسیس نمود. در این مدرسه، علوم اسلامی بر طبق مبانی تشیع به علاقه‌مندان آموزش داده می‌شد.

همچنین وی در شهر کانبرا - مرکز حکومت استرالیا - تشکیلاتی تحت عنوان «الجمعیة الاسلامیة الجعفریة» برای تشکل و انسجام و تقویت هویت شیعیان و تحرک بخشیدن به تلاشهای تبلیغی آنان بنیان نهاد.

آیه الله قزوینی برای پیگیری فعالیتهای ارشادی و فرهنگی شیعیان استرالیا و نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) در بین آنان، چهار مرتبه به این کشور مسافرت نمود.<sup>۳</sup>

همچنین ایشان از کشورهای مصر، اندونزی، تایلند، ژاپن، پاکستان و هند دیدارهایی به عمل آورد که هر

۱. اسلام و تعلیمات تربیتی، مقدمه مترجم، ص ۱۱-۱۰.

۲. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳. صفحاتی از .....، ص ۱۶-۱۵؛ گنجینه دانشمندان، همان.

زهرائیه<sup>۱</sup>، و زینب کبری<sup>۲</sup> را از ولادت تا رحلت و شهادت تدوین نمود. کتابی در شرح نهج البلاغه، اثری در مورد شرح استدلالی بر شرایع الاسلام، نوشته‌ای درباره اسلام و تعلیمات تربیتی و وجیزه‌ای در اثبات خلافت حضرت علی<sup>۳</sup> تحریر نمود. مفصل‌ترین آثارش موسوعه امام صادق<sup>۴</sup> است که به آن اشاره کردیم.

#### در عرصه سیاست

آیه الله قزوینی اعتقاد داشت رژیم حاکم بر عراق از دیرباز سعی در محو هویت مذهبی شهرهای مقدس عراق داشته و برای رسیدن به این مقصد شوم از نقشه‌های گوناگونی استفاده کرده است. به همین دلیل، به موازات پژوهشهای کلامی و آگاه ساختن مسلمانان برخی کشورهای جهان، برای ستیز با استبداد و اختناق شدید رژیم ستم‌شاهی به مبارزات گسترده‌ای دست زد و از طریق سخنرانیهای افشاگرانه این نظام منفور را مورد تهاجم جدی قرار داد. نظر به تأثیر

کدام از این سفرها برکات و آثار مفیدی به دنبال داشته است.<sup>۱</sup>

#### تبلیغ از راه تحقیق

همان‌گونه که آیه الله قزوینی از طریق بیان به ایفای مسئولیت ارشادی خویش اهتمام وافری داشت، برای پاسداری از فرهنگ تشیع و مقابله با اندیشه‌های مسموم و التقاطی، قلم به دست گرفت و با این اسلحه کوشید تهاجم فرهنگی و یورش مخرب اندیشه‌های آلوده را بی اثر سازد. او در این نوشته‌ها با پژوهشهای پرمایه، درج نکات علمی و مضامین برهانی و برخاسته از قرآن و عترت متناسب با مقتضیات عصر و زمان‌شناسی فرهنگی، مطالبی در مباحث گوناگون اسلامی به رشته تحریر در آورد.

او به این اعتقاد بود که قوانین و احکام اسلام به عبادات منحصر نمی‌گردد. تعلیمات قرآنی، سیره رسول اکرم<sup>۵</sup> و ائمه هدی<sup>۶</sup> تمام جوانب زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. وی علاوه بر نگارش کتابی در خصوص زندگانی پیامبر اکرم<sup>۷</sup>، شرح حال امامان<sup>۸</sup>، حضرت فاطمه

۱. ستارگان حرم، همان، ص ۱۸۴.



عمیق سخنان وی در اذهان مردم، دستگاه حکومتی عکس‌العملهای خشنی از خود بروز می‌داد و یک بار وی را در حال ایراد خطابه، بر فراز منبر دستگیر نمود.

از شعبان سال ۱۳۹۱ هـ ق که رهبری مذهبی شهر مقدس کربلا به ایشان رسید، رژیم بعثی آن را ناخوشایند تلقی می‌کرد؛ زیرا از سابقه مبارزاتی آیه الله قزوینی اطلاع داشت. مدتی بعد نیروهای امنیتی وی را دستگیر نموده و به زندان الشعبة الخامسة واقع در بغداد منتقل کردند و ایشان را به مدت ۱۱۴ روز تحت شکنجه‌های سخت و وحشیانه قرار دادند.

از آنجا که فعالیتهای سیاسی - اجتماعی آن خطیب دانشور و دیگر مشاهیر کربلا مانع بسیار بزرگی بر سر راه نقشه‌های پلید رژیم بعثی بود، در سال ۱۳۹۳ هـ ق تنی چند از شخصیت‌های مذهبی کربلا را دستگیر نمودند، اما آیه الله قزوینی خود را از دسترس آن دژخیمان دور ساخت. مدت هیجده ماه مأموران در تلاش

بودند تا ایشان را دستگیر نمایند و برای مدت طولانی منزل ایشان در محاصره شدید بود و تمامی رفت و آمدها کاملاً کنترل می‌گردید. به دلیل شرایط سخت و محدودیتهایی که برای آن عالم وارسته و خانواده‌اش ایجاد کرده بودند، در شعبان سال ۱۳۹۴ هـ ق به همراه اهل خانه با توسل به حضرت فاطمه زهرا (ع) به طور شگفت‌انگیزی عراق را ترک نمود و وارد کویت گردید؛ بدون اینکه مأموران رژیم بعثی بتوانند کوچک‌ترین آسیبی به ایشان و اهل خانه‌اش وارد سازند. چند سال پس از آن، کارگزاران دستگاه حاکم بر عراق اموال آن سخنور بزرگ را مصادره نمودند و ضمن تصاحب منزل مسکونی و کلیه لوازم آن، تمامی کتب چاپی و نسخه‌های نفیس خطی که در کتابخانه آیه الله قزوینی نگاه‌داری می‌شد، را نابود ساختند.

آری، آن عالم زاهد به موجب حقوقی و ایستادگی در برابر خودکامگیها، بارها طعم تلخ زندان، تبعید و شکنجه را کشید و تا مرز

جمادی الثانی ۱۴۱۵ هـ ق مطابق با ۱۳۷۳ هـ ش این عالم شیفته اهل بیت به سرای باقی شتافت و زندگی برزخی خویش را آغاز نمود. پیکر پاکش پس از مراسم تغسیل، تکفین و تشییعی باشکوه و عبور دادن از صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و اقامه نماز میت توسط حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد ابراهیم قزوینی در مقبره‌ای داخل حسینیه کربلاییه در قم به خاک سپرده شد.

آیة الله قزوینی با دختر استاد خویش آیة الله میرزا مهدی شیرازی ازدواج کرده بود که ثمره این پیوند مبارک پنج فرزند فاضل و برومند است که همگی در حوزه علمیه و مراکز علوم اسلامی و تبلیغی اشتغال داشته و مشغول فیض رسانی به جامعه اسلامی هستند.<sup>۲</sup>

شهادت پیش رفت و آخرین بار از سوی رژیم عراق به اعدام محکوم شد و پس از ماهها زندگی مخفیانه، به لطف خداوند از عراق خارج گردید و از آنجا به کویت و سپس به لبنان و ایران آمد و از سال ۱۳۹۴ هـ ق به مدت هفت سال به خدمات تبلیغی خود از راه بیان و بنان ادامه داد.<sup>۱</sup>

### رحلت

آیة الله قزوینی بر اثر شکنجه‌های شدیدی که در زندانهای رژیم بعثی متحمل گردید، سلامتی خود را از دست داد و در اواخر سال ۱۴۱۲ هـ ق بیماری ناشناخته‌ای اعضا و جوارحش را تحت فشار قرار داد که پزشکان ایرانی و اطباء استرالیایی و آلمانی از درمان آن عاجز گردیدند. به رغم تلاش پزشکان و مصرف داروهایی که برای ایشان در نظر گرفته شده بود، در نهم جمادی الثانی ۱۴۱۵ هـ ق حال آن واعظ وارسته رو به وخامت رفت و در بیمارستان آیة الله گلپایگانی قم تحت مراقبتهای ویژه قرار گرفت.

سرانجام پس از ۹۰ ساعت بی‌هوشی، بعد از ظهر پنجشنبه ۱۳

۱. اسلام و تعلیمات تربیتی، ص ۳۴؛ مقدمه

کتاب عاشورا غمبارترین روز تاریخ.

۲. اطلاعاتی‌های بازماندگان آن فقید سعید و نیز

گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۲۷۷.